

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار^۱ مظفر شاهی^۲

چکیده

تا آغاز فعالیت بانک شاهنشاهی در ایران تقریباً، وظایف این مؤسسه جدید را در امور پولی - اعتباری صرافان و تجار داخلی انجام می دادند. ورود بانک شاهنشاهی در عرصه اقتصادی - پولی کشور تباین و تضاد مستقیمی با منافع این گروه پر نفوذ در عرصه فعالیت های اقتصادی - مالی داشت. بنابراین برخورد دشمنانه و رقابت آمیز طرفین اجتناب ناپذیر شد. به ویژه آنکه مؤسسه جدید مذکور به کمتر از تسلط کامل بر سر پل های اقتصادی - پولی کشور رضایت نمی داد و از سویی گروه بانکداران محلی برای رهایی از تنگناهای گریزناپذیری که بانک شاهنشاهی برای آنها ایجاد کرده بود، در رقابتی که بیشتر به نوعی تنازع بقا شبیه بود درگیر شدند. پیش از این صرافان ایرانی تمام نقل و انتقالات و امور پولی و اعتباری کشور را به انجام می رساندند.

در آستانه تشکیل بانک شاهنشاهی ایران، زمینه های درونی تأسیس مؤسسات بانکی در ایران مراحل نهایی را سپری می کرد و برخی تجار و صرافان بزرگ هم کوشیدند تا نظر مساعد حاکمیت قاجار را برای تأسیس یک بانک ملی ایرانی جلب کنند، اما این روند با تأسیس بانک شاهنشاهی و رقیبش، بانک استقراضی به شکست انجامید و رقابت خردکننده این بانک ها هرگونه مجالی را از جامعه اقتصادی - تجاری ایرانی برای تأسیس بانک ایرانی تا سال ها بعد به تعویق انداخت.

واژگان کلیدی: قاجار، بانک شاهنشاهی ایران، بانک استقراضی، تجارت، بازرگانان، صرافان، ایران، انگلستان، روسیه، روابط خارجی .

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۵
۲. عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
Email: shahedi@iichs.org

بیان موضوع و فرضیات

امتیاز بانک شاهنشاهی ایران در ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ از سوی ناصرالدین شاه قاجار (حک: ۲۶۴-۱۳۱۳ق) به بارون جولپوس دو رویتر، تبعه انگلستان اعطا شد. مدت امتیاز ۶۰ سال تعیین شده بود و بانک شاهنشاهی ایران از حق انحصاری نشر اسکناس در ایران برخوردار بود. این بانک به سرعت شعبات خود را در بسیاری از شهرهای ایران دایر کرد و بر اقتصاد پولی - اعتباری و تجاری ایران سیطره روزافزونی یافت.

از بزرگ‌ترین دلمشغولی‌های اولیای بانک شاهنشاهی در ایران، از همان آغاز فعالیت، چگونگی برخورد با مشکلات عدیده‌ای بود که مؤسسات و گروه‌های رقیب برای آن ایجاد می‌کردند. بعید به نظر می‌رسد هنگامی که بنیانگذاران بانک شاهنشاهی امتیاز این بانک را از ناصرالدین شاه اخذ کردند، پیش‌بینی می‌کردند که مجبور شوند طی سال‌های بعد با چنان حجمی از رقابت مؤسسات بانکی و تجاری و نظایر آن مواجه شوند. در واقع به سبب امتیاز واگذار شده دامنه فعالیت این بانک به حدی گسترده شد که گروه عظیمی از تجار و صرافان داخلی، که تا هنگام تأسیس این بانک نبض اقتصاد تجاری و پولی کشور را در اختیار داشتند، به یکباره احساس کردند بانک شاهنشاهی به منافع آنها هجوم برده است. بدین ترتیب این گروه بزرگ از تجار و صرافان داخلی را باید اولین رقبای جدی بانک شاهنشاهی برشمرد که در هر حال بانک را غاصب شرایط اقتصادی کشور می‌دانستند که هدفی جز ورشکستگی کامل آنها را دنبال نمی‌کند. مؤسسات بانکی - اعتباری دیگری پس از تأسیس بانک شاهنشاهی پا گرفتند و همان‌گونه که بانک شاهنشاهی عرصه را بر صرافان محلی و سنتی تنگ کرده بود، با این مؤسسات رفتاری مشابه در پیش گرفت؛ تعدادی از مؤسسات بانکی - اعتباری نیز به‌رغم تلاش‌های جدی و به علل متعدد داخلی و خارجی، نتوانستند در عرصه تجاری - اقتصادی جای پای برای

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۱

خود باز کنند. از دسته اول این گروه رقیب که توانست به‌رغم حضور بانک شاهنشاهی قد علم کند بانک استقراضی روس بود که حدود یک سال پس از تأسیس بانک شاهنشاهی فعالیتش را در ایران آغاز کرد. در واقع بانک استقراضی را باید تا اواخر دهه اول ۱۲۹۰ش / ۱۹۱۰م اصلی‌ترین رقیب بانک شاهنشاهی بشناسیم.

کوشش‌های بسیاری شد تا به تأسیس بعضی بانک‌های داخلی و خارجی مبادرت شود، اما نتیجه مطلوبی نداشت. تلاش ایرانیان برای تأسیس بانکی ایرانی و ملی در صدر دوره مشروطیت به علل بسیار، مانند کوشش‌های ناسازگارانه بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی به شکست انجامید، همچنین تلاش ایرانیان برای تأسیس شعباتی از بانک‌های آلمانی و فرانسوی هم پایان خوشی نداشت. فعالیت محدود شعبه بانک عثمانی در بخش‌های غربی از سوی بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی به چالش طلبیده نشد.

بانک‌های تأسیس‌شده ایران در اوایل دهه ۱۳۰۰ش، مانند بانک ایران و بانک روس و ایران و بانک قشون، برخلاف بدخلقی‌های اولیای بانک شاهنشاهی، چندان گسستی در اعتبار اقتصادی-سیاسی بانک ایجاد نکرد تا اینکه دولت و حکومت ایران برای تأسیس «بانک ملی ایران» عزم راسخی نشان دادند؛ چنان که بانک جدید التأسیس ملی ایران به سرعت پا گرفت و توسعه درخور توجهی یافت و با خارج کردن برخی امتیازات انحصاری از کنترل بانک شاهنشاهی، مانند امتیاز نشر اسکناس، سیطره تدریجی بر بانک شاهنشاهی یافت. در این نوشته برآنیم تا روش برخورد و کشمکش بانک شاهنشاهی با برخی از مهم‌ترین بازرگانان و صرافان و تجارت‌خانه‌های ایران در دوره قاجار را بررسی کنیم. نوشتار حاضر بر فرضیات زیر استوار شده است: ۱. در آستانه تأسیس بانک شاهنشاهی ایران صرافان و بازرگانان ایرانی به تدریج مهیای بهره‌گیری از شیوه نوین و کارآمدتر مبادلات پولی و اعتباری شده بودند؛ ۲. حمایت حکومت ایران و نیز دولت و

نمایندگان سیاسی بریتانیا از بانک شاهنشاهی سهم درخور توجهی در فائق آمدن آن بر رقبای ایرانی‌اش داشت؛ ۳. هیچ‌گاه حکومت از صرافان و بازرگانان ایرانی در رقابت نفس‌گیر با بانک شاهنشاهی ایران حمایت نکرد؛ ۴. سیطره بی‌سابقه بانک شاهنشاهی بر اقتصاد پولی ایران (به علت حق انحصاری نشر اسکناس) و سهمی که در اقتصاد تجاری کشور داشت، از دلایل مهم پیشی جستن آن بر رقبای ایرانی‌اش بود؛ ۵. فعالیت بانک شاهنشاهی در ایران بر تجارب طولانی شیوه نوین بانکداری در سراسر جهان استوار بود و این خود به تقویت موقعیت آن در برابر بازرگانان و صرافان ایرانی کمک می‌کرد.

رقابت بانک شاهنشاهی با تجار و صرافان ایران

پیشینه و زمینه‌ها

پیش از فعالیت بانک شاهنشاهی در ایران تمام وظایف این مؤسسه جدید در امور پولی - اعتباری را صرافان و تجار داخلی انجام می‌دادند. ورود بانک شاهنشاهی در عرصه اقتصادی - پولی کشور تباین و تضاد مستقیمی با منافع این گروه پرنفوذ داشت. بنابراین برخورد غیردوستانه و رقابت‌آمیز طرفین اجتناب‌ناپذیر شد. به ویژه اینکه بانک شاهنشاهی به کمتر از تسلط کامل بر سرپل‌های اقتصادی - پولی کشور رضایت نمی‌داد و از سوی دیگر گروه بانکداران محلی برای رهایی از تنگناهایی که بانک شاهنشاهی برای آنها ایجاد کرده بود، ناگزیر به رقابتی که بیشتر به تنازع بقا شبیه بود، درگیر شدند. پیش از این، صرافان ایرانی تمام نقل و انتقالات پولی و اعتباری حکومت را انجام می‌دادند و به درباریان، و شاه و صدر اعظم وام‌های درازمدت و کوتاه‌مدت اعطا می‌کردند. هما ناطق درباره علت مخالفت صرافان با بانک شاهنشاهی نوشته است: «...علت اصلی مخالفت بازرگانان با بانک مخالفت استعمار و سخنانی از این دست نبود،

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۳

این واژه‌ها در آن روزگار باب نبودند، اما اهل دادوستد به نیازهای جامعه خود و خود بهتر از سایر لایه‌ها آگاه بودند، زیان خود را به چشم می‌دیدند، زیرا که در جامعه سنتی ایران آنان خود نقش بانک را ایفا می‌کردند... از شاه گرفته تا وزیر و روحانی و دیگران جملگی بدهکار بازرگانان بودند. از همین‌رو دولتمردان، درباریان و بزرگان هر یک بازرگان امین خود را داشتند که به منزله صراف هم بودند، چنان که حاج امین‌الضرب صرافی امین‌السلطان را نیز عهده‌دار بود... « (ناطق، ۱۳۷۱: ۳۳). از سوی دیگر بخش اعظمی از مبادلات تجاری و اقتصادی از طریق همین صرافان تأمین اعتبار می‌شد. در پرداخت و وصول حواله‌های اعتباری نظیر برات نقش درجه اولی را ایفا می‌کردند. خرید و فروش و تبدیل ارزهای خارجی از طریق آنها انجام می‌گرفت و وام‌های متعددی را در اختیار مردم کشور نظیر تجار، بزرگ مالکان، روستاییان، رعایا و شهرنشینان از طبقات مختلف قرار می‌دادند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۱۳).

تعدادی از همین صرافان و تجار کشور خدمات‌رسانی بانکی - اعتباری خود را تا برخی کشورهای همجوار و نیز اروپا گسترانده بودند و در تسهیل روابط تجاری بازرگانان داخلی و شرکای خارجی آنها ارتباط لازم را برقرار می‌ساختند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۱۵). تمام امور بانکی - اعتباری حکومت مرکزی در ایالات و پایتخت و تمام وظایفی را که بانک دولتی باید در قبال حکومت و دولت انجام دهد، صرافان و تجاری که به امور صرافی نیز مشغول بودند انجام می‌دادند. صرافان داخلی به‌ویژه در کاربرد برات و انواعی از بیجک، که در واقع پول اعتباری محسوب می‌شدند، تبحر فراوانی داشتند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۱۷؛ تاریخچه، ۱۳۳۸: ۱۷، ۲)، در حالی که «در ایران قانونی برای امور صرافی وجود نداشت و دولت مطلقاً دخالت نمی‌کرد. کلیه صرافان در صدور حواله و برات و قبول آن آزاد بودند و برای نشر بیجک و رواج آن و مقدار موجودی لازم هیچ گونه

مقرراتی وجود نداشت و تنها عرف و سنت صرافی که در طول زمان به وجود آمده بود و اعتماد عمومی، حدود کار صراف را تعیین می‌کرد» (تاریخچه، ۱۳۳۸: ۲۶).

شاید هرگاه بانک شاهنشاهی در شرایطی برابر با صرافان و تجار داخلی به رقابت بر می‌خواست کمتر می‌توانست در مقابل حریفان بومی خود ابتکار عمل را در دست گیرد و در نهایت ضرباتی خردکننده به آنها وارد سازد. در واقع به نظر می‌رسد در آستانه تشکیل بانک شاهنشاهی در ایران زمینه‌های درونی تأسیس مؤسسات بانکی در ایران مراحل نهایی را پشت سر می‌گذاشت و از سوی برخی تجار و صرافان بزرگ تلاش‌هایی هم صورت گرفته بود تا نظر مساعد حاکمیت قاجار را برای تأسیس یک بانک ملی ایرانی جلب نمایند. چنانکه حاج امین‌الضرب در سال ۱۲۹۶ ق در این باره خطاب به ناصرالدین شاه نوشت: «... عمده چیزی که اسباب ترقی فرنگستان شده بر پا کردن بانک است، اول قرار بانک را داده‌اند، پول مردم که در بانک جمع شده است از اعتبار بانک و پول بانک کارهایی بسیار بزرگ صورت داده‌اند. تجارت‌های بزرگ نموده‌اند، راه‌های آهن و سیم‌های تلگراف کشیده شده، کارخانه‌های معتبر با پول بانک ساخته شده، اسباب آبادی مملکت شده است و مطلب واضح است که یک نفر یا دو نفر قدرت انجام و اتمام کار بزرگ را ندارند. کارهای بزرگ اتفاق دولت و ملت را لازم دارد... بر پا نمودن بانک معتبر هیچ کاری ندارد و در نهایت به سهولت و آسانی ممکن است و اعتبار و امنیت از جانب اولیای دولت می‌خواهد. چنان که در خاک پای مبارک عرایض جان‌نثار مقبول است این مطلب را رجوع به مجلس دربار اعظم بفرمایند، چنانچه متفقاً این عرایض را امضا فرمودند، توجه بفرمایید بعون الله تعالی بانک معتبر صحیحی بر پا خواهد شد. [۱۵] رمضان ۱۲۹۶ - امین‌الضرب. امضاء.]» (تاریخچه، ۱۳۳۸: ۶۶-۷۴).

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۵

این روند با تأسیس بانک شاهنشاهی و رقیبش، بانک استقراضی، به شکست انجامید و رقابت این بانک‌ها هرگونه مجالی را از جامعه اقتصادی-تجاری ایرانی برای تأسیس بانک ایرانی تا سال‌ها بعد به تعویق انداخت.

بانک شاهنشاهی حاصل تجارب طولانی مدیران و بنیانگذاران آن در عرصه‌های پولی و بانکداری نوین جهان بود. در واقع، شبکه گسترده بانکی انگلستان در سراسر جهان به هنگام تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران تجارب عمیقی اندوخت و روش‌های روزآمد بانکداری را در اختیار اولیای این بانک قرار می‌داد. بنابراین با طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق علمی می‌توانست در عرصه سیاسی و اقتصادی ایران استقرار یابد. تمام پیش‌بینی‌ها و محاسباتی که درباره چگونگی فعالیت یک بنگاه کارآمد اقتصادی و مالی انتظار می‌رفت در آن به اجرا گذاشته شده بود و کارشناسانی از دستگاه دیپلماسی انگلستان و نیز سیاست‌گذاران بانک همه جوانب فعالیت این بانک را بررسی کرده بودند، اما صرافان و بانکداران محلی ایرانی از روش‌های نوین بانکداری و محاسبات اقتصادی اطلاع لازم و کافی نداشتند و هنوز بسیاری از مبادلات بانکی و مالی با مؤسسات مختلف اقتصادی و تجاری و شیوه‌های جدید خدمات‌رسانی را نمی‌شناختند، به‌ویژه اینکه فقدان انسجام میان صرافان داخلی، که برای موفقیت در شبکه بانکی فعال ضروری بود، آنها را از هرگونه کار گروهی و مشترک باز می‌داشت. در صورتی که بانک شاهنشاهی، علاوه بر گسترش روزافزون شعب خود در داخل ایران و چند شهر عراق و هندوستان در تسهیل ارتباط مالی - اعتباری بین بخش‌های گوناگون کشور گام‌هایی اساسی برداشت. بانک شاهنشاهی خود جزئی از مجموعه بانک‌های بریتانیایی به شمار می‌رفت که سراسر جهان و از جمله خاور میانه و آسیا تا شرق دور فعالیت داشتند و بانک شاهنشاهی می‌توانست این شبکه گسترده بانکی را باز هم منسجم‌تر سازد.

بانک شاهنشاهی، با گسترش شعب خود در کشور و با برخورداری از مجموعه‌ای از کارمندان حرفه‌ای و آشنا با اصول بانکداری نوین، سازمان‌دهی و تمرکزگرایی مطلوبی داشتند، اما رقبای محلی آنها علاوه بر اینکه در گروه‌های کوچک و غیرمنسجم متشکل می‌شدند، از روش‌های نوین بانکداری اطلاع کافی نداشتند و سازمان‌دهی منظم و کارآمدی نیز نداشتند (محمدی، ۱۳۵۰: ۲۳۱-۲۳۲). صرافان و بانکداران محلی ایران هیچ حمایت قانونی و دولتی نمی‌شدند و حاکمیت کمترین مسئولیتی در بهینه کردن روش‌های آنان و نیز حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اعتباری مالی آنها نمی‌شناخت (تاریخچه: ۱۳۳۸، ۲۶). اما بانک شاهنشاهی طبق فرارنامه‌اش با حکومت قاجار از حمایت و پشتیبانی‌های دولتی و حکومتی برخوردار می‌شد (تیموری، ۱۳۵۷: ۱۹۲-۱۹۹). همچنین امتیازنامه سلطنتی دولت انگلستان تضمین‌های لازم را برای پشتیبانی از بانک شاهنشاهی قائل شده بود (Jones, 1989: 349-353). و این اعلام حمایت حکومت‌های ایران و انگلستان از این بانک آن را نزد مردم معتمد کرد. با اعلام بانک شاهنشاهی در مقام بانک دولتی ایران ضربه سنگینی بر صرافان و بانکداران داخلی وارد آمد، زیرا با سیطره بانک شاهنشاهی بر سرپل‌های اقتصادی - مالی حکومت صرافان و تجار داخلی متحمل خسارت‌های فراوانی شدند به ویژه پس از دست‌اندازی بر عایدات گمرکات و انتقال وجوه آن به خزانه مرکزی. در این باره تجار کشور، در ذی‌حجه ۱۳۱۳/۲۳ آوریل ۱۸۹۸، به تجار شیراز نوشتند: «تجار تهران و خراسان و اصفهان و تبریز به تجار شیراز تلگراف کردند که «ما تماماً به واسطه صد پنج کردن عشور گمرک و گمرکات را به بانک سپردن بست رفته‌ایم، شما هم بست بروید و حجره‌های خود را ببندید. تجار هم حجره‌های خود را بسته و در تلگرافخانه بست رفتند و تلگراف به اعلیحضرت همایونی نمودند. بعد از چندین تلگرافات سؤال و جواب اعلیحضرت همایونی

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۷

تلگراف کرده بودند که شما آرام گرفته و به سر کار خود بروید که ما این فقره را موقوف داشتیم، ولی از قرار مذکور معین نیست که چه خواهند کرد» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۵۴۳).

صرافان به درباریان وام‌های متعددی می‌دادند؛ وجوه مالیاتی و عوارض گمرکی و نظایر آن را از ایالات و ولایات مختلف به مرکز انتقال می‌دادند، نقد و پرداخت حواله‌های دولتی در سراسر کشور و حتی جهان خارج را این گروه از بانکداران محلی ایرانی انجام می‌دادند، اما هنگامی که بانک شاهنشاهی خود را عهده‌دار وظایف بانکی دولتی شناخت، تمام موارد فوق از حیطة اختیار صرافان محلی خارج شد و در دست بانک شاهنشاهی قرار گرفت. بدین ترتیب بخش مهمی از فعالیت بانکی صرافان از آنها سلب شد (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۳۸). از سوی دیگر بانک شاهنشاهی برای جذب بیشتر بخش خصوصی و تنظیم روابط پولی خود با آنها تسهیلات بسیاری فراهم ساخت. بانک با گشایش حساب جاری و پس‌انداز برای مشتریان خود از طبقات مختلف سودی در خور به سپرده‌های آنها می‌داد و این باعث رویگردانی بسیاری از مردم از صرافان محلی و توجه آنها به سوی بانک شاهنشاهی شد (محمدی، ۱۳۵۰: ۲۳۲-۲۳۳). بانک برای تسهیل در نقل و انتقالات پولی و اعتباری، ابزارهای جدید نظیر چک و حواله بانکی را معمول ساخت که پیش از آن در معاملات تجاری ایران کاربردی نداشت. این چک‌ها و حواله‌ها به لحاظ اعتباری و سهولت در روابط تجاری تاحدی از برات و بیجک، رایج در ایران پیشرفته‌تر بود. بانک شاهنشاهی برای رواج بیشتر این حواله‌ها به لحاظ ارزش و مبلغ آنها را به قطعات کوچک‌تری تبدیل کرد تا اقشار کم درآمد هم بتوانند استفاده کنند (محمدی، ۱۳۵۰: ۲).

از مهم‌ترین اقدامات بانک شاهنشاهی برای تضعیف موقعیت صرافان و بانکداران داخلی کاهش نرخ بهره وام‌های اعطایی به اقشار مردم و حکومت بود. پیش از این نرخ بهره رقم ثابتی نداشت و بسته به توافق طرفین در تغییر بود. ضمن اینکه معمولاً نرخ بهره به ندرت تا ۲۴ درصد کاهش می‌یافت، اما بانک شاهنشاهی با کاهش نرخ بهره وام تا حداکثر ۱۲ درصد بخش اعظمی از جامعه تجاری و اقتصادی و مردم را به سوی خود می‌کشاند و تعادل رقابت میان بانک و صرافان را باز هم به نفع بانک بر هم می‌زد (محمدی، ۱۳۵۰: ۲۳۳-۲۳۴). بدین ترتیب به تدریج صرافان داخلی، که پیش از این در روابط تجاری - اقتصادی بازرگانان داخلی با یکدیگر و ارتباط تجاری ایران با کشورهای جهان واسطه نقل و انتقال بسیاری از اسناد و اعتبارات پولی - مالی بودند، با گسترش عملیات بانک شاهنشاهی عرصه را به رقیب واگذار کردند.

قبل از تأسیس بانک شاهنشاهی، صرافان و بانکداران محلی نقش در خور توجهی در تنظیم ارزش و اعتبار پول برعهده داشتند، اما هنگامی که بانک شاهنشاهی کار نشر اسکناس را آغاز کرد با بهره‌گیری از روش‌های کارآمد، اعتماد عمومی را به پول جدید جلب کرد و با کنترل امور ضرابخانه و مسکوکات فلزی نبض اقتصاد پولی را به دست گرفت و دیگر صرافان محلی نتوانستند در برابر این مؤسسه جدید ابتکار عمل لازم را به دست گیرند (محمدی، ۱۳۵۰: ۳۴۰). در این باره محققان با تکیه بر اسناد برجای مانده می‌نویسند: «پیش از آمدن بانک [شاهی] کار بازرگانان از برات می‌گذشت. بانک که بر پا شد کار و بار برخی از اصناف، به ویژه صرافان را به کساد کشانید و منطق هستی‌شان را از دستشان گرفت. از زبان صرافان اصفهان بشنویم که می‌گفتند: "بانک کار نشر اسکناس را به خود اختصاص داد. فعالیت صرافان را به تبدیل پول منحصر کرد. دست این طبقه را از کاسی کند و صنف بیکار شد. در عریضه دیگری باز یاد آور شدند:

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۹

دیوان مالیاتی سال هاست از ما می‌گیرد به واسطه شغل صرافی و حال آنکه این شغل دیگر به کلی از میان رفته است، زیرا که کار صرافی در رابطه با داد و ستد با مردم است. کار بروات هم با اوست.» (ناطق: ۱۳۷۱، ۳۰). بانک شاهنشاهی مسئولیت تنظیم امور پولی - اعتباری کشور را عهده‌دار شد و نرخ‌های برابری قران با سایر ارزهای معتبر خارجی را اعلام می‌کرد. سیطره بانک شاهنشاهی بر روابط پولی ایران با بخش‌های داخلی و نیز با کشورهای خارجی به حدی گسترش یافت که جامعه اقتصادی و تجاری کشور این بانک را عامل و سیاست‌گزار اصلی نظام اقتصادی کشور می‌شناختند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۴۳).

تلاش تجار و صرافان در تأسیس بانک‌های ایرانی

تجار و صرافان ایرانی با تأسیس و فعالیت بانک شاهنشاهی برای مقابله با این بانک به دو روش متوسل شدند؛ روش نخست تلاش برای ایجاد مؤسسات مالی و خدمات‌رسانی مشابه آنچه بانک شاهنشاهی انجام می‌داد، تا از این طریق در رقابتی برابر از گسترش بیشتر نفوذ بانک شاهنشاهی بر سر پل‌های مهم اقتصادی تجاری و پولی جلوگیری کنند که تا آن هنگام در سیطره آنها قرارداشت روش دوم رقابت و مبارزه صرافان و تجار ایرانی با بانک شاهنشاهی در بهره‌گیری از سیاست‌های تخریبی بود. بدین ترتیب که برای جلوگیری از توسعه عملیات بانک شاهنشاهی، با بهره‌گیری از امکانات بالفعل و تحریک گروه‌های مختلف علیه بانک از پی‌گرفتن الگوها و ابزارهای اقتصادی ارائه شده بانک شاهنشاهی ممانعت کنند.

از مهم‌ترین اقدامات ابتکاری صرافان و تجار داخلی تلاش برای تأسیس بانک‌ها و مؤسسات مشابه داخلی بود. جدی‌ترین تلاش‌ها برای تأسیس بانک‌های رقیب ایرانی از

بالا گرفتن شورش رژی آغاز شد. عده‌ای که از تأسیس بانک و مدت کوتاهی پس از آن به راه افتادن امتیاز رژی سخت نگران شده بودند بر آن شدند تا با تأسیس بانکی ایرانی و فراهم آوردن زمینه‌های تشکیل شرکتی داخلی خود عمل تنباکو را اداره کنند، زیرا بانک شاهنشاهی از اوایل فعالیت قصد خود را مبنی بر رقابت مرگبار و سنگین با صرافان و تجار داخلی آشکار کرده بود، بنابراین «اعتراضات» و نامه‌ها [به فعالیت بانک شاهنشاهی] چندان هم بی‌غرضانه نبودند. چرا که در همین تاریخ آقا نجفی، امین‌الضرب و چند تن از بازرگانان و دولتمردان دیگر در این خیال بودند که امتیازات بانک و تنباکو را از دست صاحبان امتیاز به در آورند. شرکتی برای دادوستد تنباکو بیارایند و بانکی هم روبراه کنند. [بنابراین] بازرگانان هرگز بانک شاهی را بر نمی‌تافتند. نماینده دولت انگلیس معترف بود که تجار از بانک شاهی ناخرسندند، بانک هم از آنان دل خوشی نداشت و تا فرصتی به دست آورد امین‌الضرب، رئیس تجار، را از کار برانداخت، به‌ویژه که حاجی از دیرباز در اندیشه برپایی بانک بود» (ناطق، ۱۳۷۱: ۳۲). رقابت و دشمنی تجار و صرافان با بانک شاهنشاهی در مناطق پراهمیت تجاری - اقتصادی بیشتر نمایان شد؛ فارس از این دست مراکز تجاری و اقتصادی بود که انبوهی از تجار و صرافان داخلی به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند و برای تأسیس بانکی رقیب بیش از هم‌نوعان خود در سایر مناطق، به تکاپو بر آمدند. تجار فارس، که از هنگام فعالیت رژی سخت از عملیات بانک شاهنشاهی به هراس افتاده بودند، با تحریم دادوستد با بانک شاهنشاهی برخی مؤسسات بانکی را تأسیس کردند.

این مؤسسات طی دوران فعالیت بانک شاهنشاهی در گوشه و کنار کشور اعلام حضور کردند و به برخی عملیات بانکی هم مبادرت می‌کردند، اما به علل متعدد، که مهم‌ترین آن رقابت خردکننده بانک شاهنشاهی بود، از پا در می‌آمدند. در میان دولتمردان،

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۴۱

جدی‌ترین گام برای تأسیس بانک ایرانی را علی‌اصغر خان اتابک، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، برداشت. امین‌السلطان در تلاش بود تا با مشارکت و همکاری برخی از تجار و صرافان تراز اول کشور بانک تأسیس کند. هدف از تأسیس بانک علاوه بر امور متعارف بانکی و تسهیل امور تجاری بازرگانان داخلی و خارجی سر و سامان بخشیدن به امور ضرابخانه و ضرب مسکوکات اعلام شد. در این باره کلنل پیکوت، وابسته نظامی سفارت انگلیس در تهران، در ۱۵ آوریل ۱۸۹۵ گزارش داد: «طرح تأسیس یک بانک در تهران به وسیله آقایان تومانیان‌سک و کاستلی و با مشارکت صدر اعظم و برادرش امین‌الملک ریخته شده است. هدف از تأسیس این بانک اداره ضرابخانه دولتی و پرداختن به دیگر امور بانکی و تجاری است. تجارت خانه تومانیان‌سک در مسکو شناخته شده است. وی از مدتی قبل به این طرف نیز در شهر تبریز با مساعدت تعدادی از نمایندگان در شمال ایران به امور بانکداری و دیگر امور تجاری اشتغال دارد» (Burrell , vol.1, 1997: 254).

اما این کوشش امین‌السلطان در واپسین ایام سلطنت ناصرالدین‌شاه به جایی نرسید. پیکوت در ۱۰ مه ۱۸۹۵ در این باره نوشت: «آقایان تومانیان‌سک و کاستلی هنوز موفق نشده‌اند بانک خودشان را بر پا کنند، اما با این حال از تلاش پی گیرشان کاسته نشده است» (Burrell , vol.1, 1997: 255). در دوره صدراعظمی امین‌الدوله هم گام‌هایی برداشته شد؛ او در ۱۳۱۵ق هنگامی که درصدد بر آمد وامی کلان از بانک شاهنشاهی و یا دولت انگلستان بگیرد به فکر افتاد مبلغی از قرض خود را برای راه‌اندازی بانک مورد نظر هزینه کند، اما امین‌الدوله نه موفق شد قرضه مورد نظر را از انگلیسی‌ها بگیرد و نه مجالی برای تأسیس بانک یافت.

۱۴۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

مدت کوتاهی پس از آن، میرزا ابراهیم خان، معاون امین‌الدوله کاشانی وزیر وقت تجارت، که در بانک شاهنشاهی هم شغلی داشت، تصمیم گرفت تا با بهره‌گیری از سرمایه‌های نقدی صاحبان ثروت ایرانی بانکی با نام «بانک فلاحتی» بر پا کند، اما چنین نشد: «میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله کاشانی وزیر تجارت و مأمور بانک شاهنشاهی ایران در ماه جمادی الآخر ۱۳۱۶ خیال دارد بانک فلاحتی به سرمایه خود ایرانیان در طهران افتتاح نماید. افسوس که صورت خارجی نگرفت» (سپهر، ۱۳۶۸:۳۰۹). بدین ترتیب تلاش‌هایی که انسجام یافته و برنامه‌ریزی شده نبود و نه از سوی حکومت مرکزی و نه طبقات تجار و صرافان حمایت چشمگیری می‌شد در میدان رقابت نتوانست خطری جدی متوجه بانک شاهنشاهی گرداند.

بازرگانان و صرافان ایرانی و پول‌های کاغذی

از مهم‌ترین امتیازات بانک شاهنشاهی انتشار اسکناس و پول کاغذی در ایران بود. مخالفت و رقابت تجار و صرافان و اکثر مردم با اسکناس‌های بانک شاهنشاهی به دو صورت اتفاق افتاد؛ برخورد اول تخریبی بود که گروه‌های ذی‌نفوذ طراحی می‌کردند و با همیاری مردم به اجرا در می‌آمد؛ شیوه دوم، بهره‌گیری از طرق رقابتی از سوی صرافان و تجار بزرگ کشور بود. تجار و صرافان داخلی برای جلوگیری از گسترش رواج اسکناس‌های بانک شاهنشاهی دست به انتشار برخی اوراق بهادار و اعتبارات پولی زدند که در ادبیات اقتصادی آن روزگار بیشتر به «بیجک» از آن یاد شده است.

بیجک و پول‌های اعتباری اغلب در مناطقی از کشور که رشد اقتصادی و تجاری بیشتری داشتند و تجار و صرافان بزرگی هم در آن مناطق فعالیت می‌کردند، رواج یافت. به اعتبار منابع، تجار و صرافان فارس و بنادر و اصفهان و یزد و تبریز بیشترین

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۳۳

تلاش را برای انتشار بیجک می کردند. این امر بیش از هر چیز به سبب گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی و نفوذ اقتصادی محافل تجاری- اقتصادی انگلیسی و بانک شاهنشاهی در این مناطق بود. تجار و صرافان بزرگ این نواحی درصدد برآمدند با انتشار اوراق بهاداری مشابه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی، علاوه بر حفظ سرپل‌های اقتصادی- تجاری خود از گسترش عملیات بانک شاهنشاهی، که رقیبی مرگبار برای آنها بود، جلوگیری کنند.

بدین ترتیب در شرایطی که تجار و صرافان بزرگ کشور در رقابتی سخت درصدد بودند از گسترش نفوذ تجاری- اقتصادی و سیاسی بانک شاهنشاهی جلوگیری کنند، دستگاه حکومتی فاسد قاجار در اقدامی هماهنگ با اولیای بانک و دستگاه دیپلماسی انگلستان در ایران نه تنها هیچ حمایتی از تجار داخلی نکردند، بلکه از هر اقدامی که منجر به شکل‌گیری نهادهای داخلی رقیب بانک شاهنشاهی شود، ممانعت کردند. در این برهه با اتحاد و هماهنگی میان تجار و صرافان بزرگ کشور برای مقابله با توسعه بانک شاهنشاهی مواجه‌ایم. تجار بزرگ در مورد خودداری از دادوستد با بانک شاهنشاهی، نامه‌نگاری می‌کردند و یکدیگر را تشویق و حتی تخویف می‌کردند که از معامله با بانک بپرهیزند. چنان که در گزارش ۴ شعبان ۱۳۰۸ / ۱۵ مارس ۱۸۹۱ در این باره می‌خوانیم: «از قرار مذکور تجار اصفهان به تجار شیراز نوشته‌اند که اگر برات به بانک [شاهنشاهی] کردید نکول خواهد شد. تجار هم قوی شده‌اند که برات به بانک ندهند» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۳۷۶). در همان حال بانک شاهنشاهی در از میان برداشتن رقبای داخلی خود از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کرد؛ چنان که از دلایل عمده فشار انگلیسی‌ها و بانک شاهنشاهی برای برکناری حاج محمدحسن امین‌الضرب از بزرگ‌ترین تجار و صرافان کشور، از مدیریت و ریاست ضرابخانه و گماردن فردی انگلوفیل به جای

او به سبب اقداماتی بود که امین‌الضرب با یاری تعدادی از تجار و صرافان بزرگ برای جلوگیری از رواج اسکناس‌های بانک شاهنشاهی انجام داده بود. انگلیسی‌ها برکناری امین‌الضرب را از رأس ضرابخانه با یاری امین‌الدوله، صدراعظم وقت مظفرالدین‌شاه عملی کردند: «بیاییم برسر جرم امین‌الضرب وانگیزه انگلیسی‌ها در برکناری او از ریاست ضرابخانه و گماردن صنیع‌الدوله انگلوفیل به جای او از زبان خودشان بگوییم. هاردینگ گزارش کرد چون امین‌الضرب مطابق قراردادی که با ما داشت رفتار نکرد و نقره بانک سکه نشد، نزدیک بود بانک شاهی ورشکست بشود، به اعتقاد هاردینگ بدسگالی حاجی با بانک از روی رشک بود، چرا که در چند سال گذشته بانک شماری «رقیبان حسود و ناموفق» داشت که از آن میان صرافان بودند به سرکردگی امین‌الضرب. اینان با یکدیگر در تهران بنا نهادند که دیگر از بانک اسکناس نپذیرند، می‌رفت که آشوب شود که امین‌الدوله در دم متوجه خطر شد، پیش آمد و ۴۰/۰۰۰ سکه زر به بانک شاهی سپرد. نیز دستور داد باز نقره از شیراز و اصفهان آوردند. بدین‌سان بانک را از بحران بیرون کشید» (ناطق، ۱۳۷۱: ۲۸۴). امین‌الدوله صدراعظم هم مانند امین‌السلطان در جلوگیری از گسترش و رواج مؤسسات اعتباری - مالی داخلی در مقابل بانک شاهنشاهی تلاش کرد؛ از جمله این موارد جلوگیری از گسترش عملیات کمپانی فارس بود که علاوه بر عملیات بانکی اقدام به نشر قبض و چک‌های بانکی کرده بود و اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را تحریم می‌کرد. کمپانی فارس یک شرکت سهامی متشکل از ده هزار سهام بود که تجار بسیاری در آن مشارکت داشتند و مدیریت و ریاست آن را حاجی محمد صدر ملک‌التجار برعهده داشت: «همزمان [با صدرارت امین‌الدوله] در بوشهر کمپانی فارس را باده هزار سهام تجار به ریاست حاجی محمد صدر ملک‌التجار بنا کردند. قصدشان عملیات صرافی و تجارت خارجی بود قبض و چک هم چاپ زدند، آنگاه به تحریم

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۴۵

اسکناس‌های بانک شاهی برآمدند. دولت ایران در این مورد جانب بانک شاهی را گرفت و دستور داد که بانک پارس چک‌های خود را متوقف کند. تجار از نشر چک دست کشیدند، اما قبض را نگه داشتند و به کار خود ادامه دادند» (ناطق، ۱۳۷۱: ۲۸۵). حاجی محمد صدر ملک‌التجار در ربیع‌الاول ۱۳۱۵ / اوت ۱۸۹۷ طی نامه‌ای خطاب به امین‌الضرب علت اصلی مخالفت حکومت با عملیات بانکی کمپانی فارس را رقابت‌ها و تحریک‌های بانک شاهنشاهی می‌داند. ملک‌التجار در نامه‌اش بانک شاهنشاهی کمپانی فارس را تهدید کرده است که به هر شکل ممکن قبوضات منتشره خود را از میان مردم جمع‌آوری کند. او با هشدار به امین‌الضرب درباره روند رو به گسترش عملیات و نفوذ بانک شاهنشاهی از او می‌خواهد تا به کمک تجار در تهران اقداماتشان را علیه بانک شاهنشاهی ادامه دهند و «توجه داشته باشند که این پدر سوخته بانک دست از سر مردم بردارد» چرا که به باور ملک‌التجار «انگیزه برپایی بانک فارس این بود که بانک شاهی حتی‌المقدور با مخلوق بنای آزار و اذیت و بد رفتاری را نگذارد، بالاخص اینکه مردم به ستوه آمده برای خود دست و پای نمودند که شاید محتاج به او [بانک شاهنشاهی] نشوند.» (ناطق، ۱۳۷۱: ۲۸۵).

هنگامی که امین‌الدوله جای خود را به امین‌السلطان داد، سیاست‌های سخت‌گیرانه حکومت علیه تجار و صرافانی که اقدام به نشر بیجک و اوراق اعتباری مشابه می‌کردند باز هم بیشتر شد، تا جایی که تحت فشار سفارت انگلیس و اولیای بانک شاهنشاهی حکومت مرکزی وعده داد در کوتاه‌ترین مجال تمام کسانی را که در شهرهایی نظیر شیراز و بوشهر به نشر بیجک اقدام کرده‌اند از ادامه کار باز دارد. کلنل پیکوت از اعضای سفارت انگلیس در تهران در ۳ مه ۱۸۹۹ / ۱۳۱۷ ق در این باره گزارش داد: «در سوم آوریل گذشته، حکومت ایران اعلام کرد تا طی دو ماه تمام نوت بانک‌هایی که توسط

بانک‌های ایرانی و کمپانی‌های شیراز و بوشهر منتشر شده است باز پس گرفته و جمع‌آوری شود. زیرا چنین نوت‌هایی مغایر با حق انحصاری اعطایی به بانک شاهنشاهی ایران است» (Burrell, vol.1, 1997: 571). انگلیسی‌ها در دلایل تقاضای خود برای جلوگیری از انتشار بیجکِ صرافان داخلی به بخشی از مدلول مادهٔ چهارم قرارنامهٔ بانک شاهنشاهی اشاره می‌کردند که مقرر می‌داشت: «دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهبازی متقبل می‌شود که در طول مدت این امتیاز نامه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد و احداث هیچ بانک تأسیسی را که صاحب این‌گونه امتیاز باشد اجازه ندهد» (تیموری، ۱۳۵۷: ۱۹۴).

کار نشر بیجک و متعاقب آن بروز بحران کلی در رواج اسکناس‌های بانک شاهنشاهی در بخش‌های گوناگون کشور به حدی نگران‌کننده بود که به دخالت مستقیم وزارت خارجه انگلیس انجامید. لرد سالیسبوری، وزیرخارجة وقت انگلیس در نامه‌هایی خطاب به حکومت ایران خواستار جلوگیری از نشر بیجک از سوی تجار و صرافان داخلی شد. او به مدلول قرارنامه بانک شاهنشاهی اشاره کرد که نشر هرگونه اسکناس مشابه با پول‌های کاغذی بانک شاهنشاهی را منع می‌کرد. حکومت ایران قول داد که بیجک‌های رواج‌یافتهٔ تجار داخلی را جمع‌آوری کند، اما حداقل در کوتاه‌مدت چندان موفق نبود و یا نمی‌خواست به اقدامی جدی در این باره دست یازد و اسباب اغتشاش و شورش فراگیر را فراهم سازد. به همین علت اقدامات دولت محدود و کم اثر بود؛ کلنل پیکوت در بخشی از همان مراسلهٔ سابق خود به وزارت امور خارجهٔ انگلیس اطلاع داد: «تقاضای لرد سالیسبوری دربارهٔ جمع‌آوری تمام نوت بانک‌های غیرقانونی، که در تبریز و بوشهر در مغایرت با امتیاز انحصاری اعطایی به بانک شاهنشاهی ایران منتشر شده بودند، هنوز بی‌پاسخ مانده است... مهلت دوماههٔ دولت ایران جهت جمع‌آوری نوت بانک‌ها در سوم

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۴۲

ژوئن ۱۸۹۹ به پایان می‌رسد» (Burrell , vol.1, 1997: 573). بخت با دستگاه دیپلماسی انگلستان و بانک شاهنشاهی یار بود که دولتمردان و حکومتگران قاجاری در حمایت از منافع آنها کمتر تردید به خود راه می‌دادند و در این مورد خاص هم ما همکاری حاکمیت قاجاری را با تقاضاهای مکرر بانک و سفارت انگلیس در مورد جلوگیری از انتشار بیجک و اوراق اعتباری مشابه اسکناس از سوی تجار و صرافان داخلی شاهدیم. با این حال حکومت با سیاستی یک گام به پس و دو گام به پیش تجار را به خودداری از نشر بیجک وا می‌داشت، چه اینکه تجار و صرافان بزرگ در محافل اقتصادی و اجتماعی دارای اعتبار و نفوذ بودند و هرگاه حکومت بی‌محبا و با بهره‌گیری از خشونت صرف از اقدامات آنها ممانعت می‌کرد هر آن انتظار شورش و نا آرامی می‌رفت؛ دقیقاً به همین علت بود که شعاع‌السلطنه، حکمران فارس، وقتی درصدد برآمد از نشر بیجک تجار داخلی جلوگیری کند، چاره‌ای ندید جز اینکه قبل از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز دلایل اقتصادی و امنیتی اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را در مقابل بیجک‌های صرافان و تجار داخلی توضیح دهد. سخنان شعاع‌السلطنه در ربیع‌الاول ۱۳۱۹/۲۰ ژوئن ۱۹۰۱ خطاب به تجار فارس نمونه‌ای روشن از اتحاد حکومت قاجار با سرمایه‌داری جهانی برای جلوگیری از رشد بورژوازی ملی است: «حضرت والا شعاع‌السلطنه [حکمران فارس] تجار را تماماً احضار فرموده روز شنبه دوازدهم در باغ حکومتی حاضر شدند، حضرت والا شعاع‌السلطنه فرمودند نوت کمپانی که حاجی عبدالرحمان کمپانی تجارتهی فارس امضا کرده موقوف باشد و کسی دادوستد نکند. فقط نوت بانک شاهنشاهی رواج باشد. چون که اگر این نوت‌هایی که حاجی عبدالرحمان امضا کرده، مشارالیه ورشکست شود پول مردم از میان می‌رود، ولی نوت بانک چون که امضای دولتی دارد ضرری نخواهد داشت. حضرت والا شعاع‌السلطنه می‌خواستند جارچی

به بازارها بفرستند که کسی نوت کمپانی را قبول نکند، تجار مهلت سه روزه خواستند که حساب‌های خود را صاف کرده، نوت‌ها را جمع‌آوری کنند، آن وقت این حکم را منتشر سازند.» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۶۴۳). هرگاه حکومت مانعی جدی در سر راه تجار و صرافان بزرگ کشور، به ویژه در فارس و بوشهر ایجاد نمی‌کرد و در شکست طرح‌های اقتصادی - مالی محافل داخلی با اولیای بانک شاهنشاهی و دستگاه دیپلماسی انگلستان در ایران همگام و همدست نمی‌شد، انتظار می‌رفت که در آستانه انقلاب مشروطیت بانک‌های ملی و ایرانی با سرمایه‌های داخلی در گوشه و کنار کشور تأسیس شوند و به فعالیت بانکی - پولی اشتغال یابند. به‌رغم تلاش‌های مخرب حکومت و بانک شاهنشاهی کمپانی فارس سال‌ها در امور بانکی و نشر بیجک فعال بود تا اینکه در ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴ م طی اقدام هماهنگ حکومت و بانک شاهنشاهی ناچار به عملیات بانکی خود پایان داد (تاریخچه، ۱۳۳۸: ۵۳۹).

امید می‌رفت پس از پیروزی انقلاب مشروطیت و استقرار رژیم جدید پارلمانی تسهیلاتی برای تجار و صرافان داخلی فراهم شود و ترتیباتی برای انتشار بیجک اتخاذ شود، اما چنین نشد. از آن پس تجار و صرافان داخلی به تلاش خود برای رقابت با اسکناس‌های بانک شاهنشاهی و انتشار بیجک و پول‌های کاغذی ادامه دادند، در مقابل بانک شاهنشاهی هم به یاری سفارت انگلیس و دولت ایران به اقدامات تخریبی خود ادامه داد.

سفارت انگلیس در تهران طی دوران فعالیت بانک شاهنشاهی در زمان قاجارها و در سال‌های نخست سلطنت رضاشاه تلاش‌های پیگیری را برای جلوگیری از انتشار بیجک و سایر پول‌های کاغذی مشابه اسکناس بانک شاهنشاهی انجام داد. در اغلب اعتراضات سفارت انگلیس در مورد بیجک‌های تجار و صرافان ایرانی به حق انحصاری بانک

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۴۹

شاهنشاهی در انتشار اسکناس مطابق مدلول امتیازنامه این بانک اشاره شده است؛ وقتی در یزد و فارس برخی از تجار و صرافان ایرانی نوت‌هایی مشابه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی منتشر کردند، سفارت انگلیس در دفاع از حق انحصاری بانک شاهنشاهی در نشر اسکناس در جمادی‌الاول ۱۳۲۸ به وزارت خارجه یاد آور شد: «... در یزد برخلاف مدلول امتیاز بانک شاهنشاهی و بر ضد دستورالعملی که می‌گویند از طرف دولت ایران در ماه دسامبر گذشته به عمل آمده، بیجک منتشر شده است... در فارس کمپانی تجارتي که تجارت خانه ایرانی است و حاجی عبدالرحمان شیرازی رئیس آن است نیز همین قسم بانک نوت انتشار داده که بیشتر از همه ناقض امتیاز بانک شاهنشاهی می‌باشد و از قراری که می‌گویند بانک نوت‌های مزبور معادل یک میلیون قران است...» (مرکز اسناد وزارت خارجه: ۱۳۲۸ق، کارت‌ن ۴۰، پوشه ۱۱).

دولت ایران با تمام همراهی‌هایی که با بانک شاهنشاهی در جلوگیری از نشر بیجک از خود نشان می‌داد، گاه تحت فشار محافل تجاری - اقتصادی داخلی درصدد بر می‌آمد به اولیای بانک شاهنشاهی و سفارت انگلیس در تهران معلوم دارد که بیجک‌ها و اوراق کاغذی نشر تجار و صرافان داخلی چندان قرابت و مشابهتی با اسکناس‌های بانک شاهنشاهی ندارد، اما هرگز نتوانست نه بانک و نه سفارت انگلیس را با حقانیت گفتار خود همراه کند و هرگاه دولت ایران دفاعی می‌کرد، سفارت و بانک دلیل می‌آوردند که هر چند به لحاظ صوری و ظاهری بیجک با اسکناس بانک تفاوت اندکی دارد، اما کارکرد آنها تفاوت آشکاری با یکدیگر ندارد؛ چنان که وقتی وزارت داخله در پی ادعای سفارت انگلیس در مشابهت بیجک و اسکناس بانک به وزارت خارجه ابلاغ کرد تا جوابی مطابق مضمون ذیل به سفارت ارسال کند: «درخصوص بیجک‌های کمپانی منصوریه و سایر تجار یزد چند روز قبل در ضمن نمره ۸۴۲۸ شرحی در جواب آن وزارت جلیله

زحمت داده بود که این بیجک‌ها وجهاً من‌الوجه شباهت با نوت بانک ندارد و در کمال سادگی بیجکی است که در میان تجار معمول است و نمی‌توان هم‌نوع داشت، زیرا که اگر این قبیل بیجک‌ها که به هیچ‌وجه مشابهتی با نوت بانک ندارد ممانعت شود به کلی راه دادوستد و حواله اطلاق تجارتنی و غیره مسدود می‌شود...» (همان، ۱۳۲۸ق: کارت‌ن ۴۰، پوشه ۱۱). سفارت در ۱۵ شعبان ۱۳۲۸/۲۱ اوت ۱۹۱۰، در پاسخ نوشت: «مراسله مورخه بیست‌وهشتم رجب گذشته جناب مستطاب عالی که نمونه‌ای از بیجک‌های منتشره در یزد را لفاً انفاذ فرموده بود شرف وصول بخشید. اگرچه بیجک‌های مزبور از حیث صورت و ظاهر با بانک نوت‌های بانک شاهنشاهی منافات دارد، ولی مقصود از این کار این بوده که مثل بانک نوت و برای همان مقصود انتشار داشته باشد. انتشار این‌گونه اسناد به‌طور وضوح مخالفت با حق انحصار بانک شاهنشاهی برای انتشار بانک نوت می‌باشد و باید مجدداً به دولت ایران تأکید نمایم که از این کار جلوگیری نمایند...» (همان، ۱۳۲۸ق، کارت‌ن ۴۰، پوشه ۱۱).

اعتراضات سفارت انگلیس بر عمل انتشار بیجک و سایر اوراق کاغذی مشابه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی طی دهه ۱۳۳۰ق/۱۹۱۰م ادامه یافت و دولت ایران هم اقداماتی هرچند ناقص برای جلوگیری از نشر بیجک انجام داد، اما تأثیر قاطعی نداشت (همان، ۱۳۳۹ق، کارت‌ن ۳۵، پوشه ۶). این نزاع به پس از کودتای ۱۲۹۹ش و سال‌های نخست سلطنت رضاشاه هم کشیده شد، اما به نتیجه قاطعی نرسید. در اوایل دهه ۱۳۰۰ش، هنگامی که وزارت خارجه و وزارت تجارت و فلاحت و فواید عامه تقاضاهای مکرر بانک شاهنشاهی و سفارت انگلیس را در جلوگیری از نشر بیجک نادیده گرفتند، سفارت انگلیس باز هم از تلاش نایستاد و این بار در ۲۷ اسد ۱۳۰۱ مستقیم با رئیس‌الوزرای وقت مکاتبه کرد. اما در این مرحله نیز نتیجه مساعدی گرفته نشد و این

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۵۱

نامه‌نگاری‌ها تا هنگامی که دولت ایران امتیاز نشر اسکناس را از بانک شاهنشاهی سلب کرد کماکان ادامه یافت، بدون اینکه طرفین دعوا از آن طرفی بربندند.

ورشکستگی تجار و صرافان ایرانی

در حالی که بانک شاهنشاهی برای پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی خود در ایران از پشتیبانی دستگاه انگلستان در ایران برخوردار بود و حکومت قاجار نیز در برهه‌های متعدد بدون در نظر گرفتن منافع ملی از اهداف بانک حمایت می‌کرد، تجار و صرافان داخلی بدون داشتن ابزار قانونی و هیچ حمایتی برای دفاع از منافع اقتصادی خود در مقابل رقیب قدرتمند، نومیدانه تلاش می‌کردند تا بخش‌های هر چند کم‌اهمیت سرپل‌های پیشین اقتصادی و تجاری خود را حفظ کنند. بانک شاهنشاهی با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین بانکداری و جذب سرمایه‌های داخلی و گسیل انبوهی از شرکای پیشین تجار و صرافان داخلی به سوی خود هرگونه ابتکار عمل را از رقبای سنتی خود سلب می‌کرد. سیاست‌های اعطای وام از سوی بانک شاهنشاهی به افراد حقیقی و بخش دولتی (ناطق، ۱۳۷۱: ۲۷)، ارائه خدمات بانکی - اعتباری منسجم و منظم از طریق شعب گسترده خود در سراسر کشور و ایجاد تسهیلات لازم برای نقل و انتقالات پولی - اعتباری با بخش‌های مختلف جهان به سرعت برتری تکنیکی آن را در مقایسه با رقبایان محلی به اثبات رساند، نقش بانک شاهنشاهی، در جایگاه بانک دولتی ایران، تجار و صرافان داخلی را از بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی - پولی پیشین خود محروم کرد و چنانکه پیش از این هم ذکر شد واپسین تلاش‌های تجار و صرافان بزرگ برای ایجاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مالی و تلاش آنها برای انتشار پول‌های کاغذی مشابه اسکناس‌های بانک شاهنشاهی و اقداماتی از این نوع بر اثر مخالفت‌های شدید بانک و

۱۵۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

سفارت انگلیس که با یاری حکومت ایران نیز همراه بود، راه به جایی نبرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۸۷-۸۹). بنابراین گستره فعالیت بانکی - اعتباری صرافان و تجار داخلی تنزل کرد (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۹۹)، همچنین ناآشنایی تجار و صرافان داخلی از روش‌های جدید بانکداری بیش از پیش سبب ضعف و فتور آنها شد (جمشیدی، ۱۳۷۶: ۳۵-۳۶).

بدین ترتیب اندکی پس از آغاز فعالیت بانک شاهنشاهی در ایران تجار و صرافان بزرگ کشور به تدریج دچار انفعال شدند و با تلاش‌های ناموفق برای تأسیس مؤسسات بانکی مشابه گام‌هایی برداشتند و تهدیدی را که از سوی مؤسسه جدید متوجه آنها شده بود به خوبی دریافتند؛ حدود چهار سال پیش از آغاز فعالیت بانک شاهنشاهی سپری نشده بود که فریادهای اعتراض و استعانت تجار و صرافان گوشه و کنار کشور آغاز شد؛ از جمله در ۱۳۱۰ ق/ ۱۸۹۲ م صرافان اصفهان در نامه‌ای خطاب به حاج حسن امین‌الضرب نوشتند: «... ما ضعفا صنف صراف اصفهان دو سال است از میان رفته‌ایم و دست ماها از کاسبی کنده شده به واسطه بانک و ما فقرا مدعی بر امنای دولت قوی شوکت نیستیم، خود دانید و این مملکت خود. ولی دیوان مالیاتی از ما سال‌هاست مالیات می‌گیرد، به واسطه شغل صرافی و به کلی از میان رفته است. مداخل صراف به حواله و برات کاری و صرف برات و دادوستد مردم است، الحال پول دیوان خارجه و داخله در نزدیک بانک و ارسال بروات همه جا از او می‌باشد. پول دادن به دیوان و غیره هم از اوست و مالیات را از چهارنفر از ماها که منحصر شده به پول سیاه و سفید...» (ناطق، ۱۳۷۱: ۲۹۸).

هرچه از زمان فعالیت بانک شاهنشاهی سپری می‌شد تجار و صرافان داخلی به اتخاذ شیوه‌های انفعالی‌تری مجبور می‌شدند؛ به ویژه اینکه بانک به علت ارتباط با نظام

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۵۳

بانکداری جهانی به سرعت در کم و کیف مسائل پولی و نزول یا صعود نرخ طلا و نقره قرار می‌گرفت و می‌توانست در کنترل پولی ایران تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کند، اما تجار و صرافان داخلی به سبب پیروی از روش‌های سنتی بانکداری و انسجام‌نیافتگی فعالیت آنها و ارتباطات ضعیف‌شان با نظام بانکداری و مبادلات پولی جهانی چاره‌ای جز هماهنگی با روش‌های تعیین‌شده از سوی بانک شاهنشاهی نداشتند. بانک شاهنشاهی با برخورداری از سرمایه نقدی و اعتباری فراوان در نوسانات پول کشور هم دخالت می‌کرد و اراده خود را بر تجار و صرافان تحمیل می‌کرد (تاریخچه، ۱۳۳۸: ۴۲).

از مهم‌ترین حربه‌های بانک شاهنشاهی برای ورشکستگی تجار و صرافان داخلی بهره‌گیری از سیاست اعطای وام‌های کنترل شده بود. بانک شاهنشاهی با امکانات بالقوه و بالفعلی که داشت به تدریج تجار و صرافان داخلی را واداشت تا به ناچار بر برتری بانک شاهنشاهی در فعالیت‌های بانکی و پولی صحه بگذارند. از سوی دیگر بانک شاهنشاهی برای کنترل هر چه بیشتر تجار و صرافان به سیاست اعطای قروض و وام‌های متعدد به آنها که با وثیقه‌های سنگینی همراه بود، روی آورد. تا جایی که طی سال‌های میانی فعالیت بانک شاهنشاهی در ایران بخش اعظمی از تجار و صرافان داخلی جزو بدهکاران بانک شاهنشاهی بودند. بدین ترتیب هرگاه بانک اراده می‌کرد، می‌توانست با مطالبه یک‌باره قروض خود بازرگان و یا صراف مقروض را به زانو در آورد. در برخی موارد بانک استقراضی روس هم در اقدامی مشابه یاری‌گر نیت اولیای بانک شاهنشاهی می‌شد. از تجار و صرافان متوسط که بگذریم تعدادی از صرافان و تجار بزرگ کشور طی فعالیت بانک شاهنشاهی در رقابت با این بانک و بانک استقراضی دچار ضعف و فتور و سرانجام ورشکست شدند؛ از جمله این تجار بزرگ برادران تومانیانس بودند که به سرپرستی الکساندر تومانیانس، تجارت خانه تومانیانس را اداره می‌کردند. این تجارت‌خانه علاوه بر

امور صرافی و بانکداری در امور تجارتي و صدور و ورود کالا و بخش کشاورزي فعال بود، همچنين در خريد و فروش ارزهاي خارجي، گشايش اعتبارات تجارتي و ساير خدمات بانکداری با بانک شاهنشاهی رقابت تنگاتنگی داشت. تجارت‌خانه تومانیانس از اعتبار مالی - اقتصادی درخور توجهی برخوردار بود و بخش عمده‌ای از متنفذین محلی، درباریان، سفیران و نمایندگان سیاسی ایران در کشورهای خارجی به آن مقروض بودند. تومانیانس علاوه بر ایران در برخی کشورهای جهان، که با ایران روابط تجاری - اقتصادی داشتند، نمایندگی داشت و خدمات بانکی ارائه می‌داد. سرمایه نقدی و در گردش تجارت‌خانه تومانیانس را در اواخر سده نوزدهم میلادی تا ۳ میلیون تومان برآورد کرده‌اند (مارچنکو، ۱۳۷۱: ۴۳). تجارت‌خانه تومانیانس در حالی که مبالغ هنگفتی به بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی مقروض بود، به دنبال وقوع انقلاب روسیه، بخش عمده‌ای از دارایی‌هایش که بر ۱۷ میلیون منات بالغ می‌شد ضبط گردید و به سرعت ورشکست شد (فاتح، ۱۳۱۰: ۳۱۹-۳۲۱)، با اینکه املاک و مستغلات و سایر اموال غیرمنقول وی ده‌ها برابر دیونش بود، اما به عللی، که عمده‌ترین آن سوءاستفاده کارگزاران وقت حکومت بود، اولیای تجارت‌خانه نتوانستند راهی برای برون‌رفت از بحران مالی بیابند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۲۱۹)؛ بیشترین صدمات و خسارات وارده بر تجارت‌خانه تومانیانس از روس‌ها وارد آمد، اما بانک شاهنشاهی، که وجود رقیبی چنین پر نفوذ را برنمی‌تابید، از هرگونه تلاش برای یاری به آن خودداری کرد.

دیگر مؤسسه ایرانی که در رقابت با بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی به عملیات بانکی و سایر امور تجاری - اقتصادی اشتغال داشت تجارت‌خانه جمشیدیان بود. این تجارت‌خانه علاوه بر امور صرافی و بانکداری به سایر امور تجاری و اقتصادی مشغول بود و علاوه بر شهرهای بزرگ ایران در برخی از شهرهای مهم جهان هم دارای نمایندگی

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۵۵

بود. مؤسسه جمشیدیان در زمینه‌های کشاورزی و ملک‌داری نیز فعالیت می‌کرد (ماجدی، ۱۳۷۳: ۱۷۰). بانک شاهنشاهی و استقراضی که در مقاطع مختلف به این مؤسسه تجاری - بانکی وام‌های متعدد و در عین حال کنترل‌شده‌ای اعطا کرده بودند، در فرصت مناسب اسباب ورشکستگی آن را فراهم آوردند. احمد متین‌دفتری، از دولتمردان تراز اول دوره رضاشاه، در این باره نوشت: «رباب جمشید متوفی که زمانی از صرافان درجه اول و در واقع دارای یک بانکی بود که مثل صرافان دیگر ایرانی در مقابل بانک شاهنشاهی ایران و بانک استقراضی روس تاب مقاومت نداشتند و به زانو در آمدند. (متین‌دفتری، ۱۳۷۰: ۱۱۶-۱۱۷).

تجارت‌خانه جهانیان از مؤسسات بانکی - تجاری ایرانی بود که در یزد تأسیس و از اقتدار اقتصادی در بازارهای داخلی و خارجی برخوردار بود. این مؤسسه علاوه بر امور تجاری و ملک‌داری در صرافی و بانکداری نیز فعال بود (فاتح، ۱۳۱۰: ۳۲۱-۳۲۲) و در شهرهای بزرگ اروپا و هندوستان و آمریکا نمایندگی داشت. برادران جهانیان، مدیران تجارت‌خانه جهانیان در انقلاب مشروطیت سهم بسیاری داشتند و به هنگام طرح تأسیس بانک ملی در صدر مشروطیت بسیار کوشیدند. به همین علت پیوسته با بغض و دشمنی مخالفان خود، بانک شاهنشاهی و استقراضی مواجه بودند و کشته شدن دو تن از مدیران ارشد این مؤسسه نیز به همان دشمنان خارجی تجارت‌خانه نسبت داده شد (ماجدی، ۱۳۷۳: ۱۷۰-۱۷۱). سرانجام بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی از محل اعتباراتی که به این تجارت‌خانه اعطا کرده بودند، اسباب ورشکستگی آن را فراهم آوردند.

از مؤسسات و تجارت‌خانه‌های ایرانی دیگر که در رقابت با بانک شاهنشاهی و نیز بانک استقراضی به تدریج اعتبار خود را از دست داد و به ورشکستگی کشانده شد،

۱۵۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

شرکت اتحادیه (ماجدی، ۱۳۷۳: ۱۷۱)، کمپانی فارس به مدیریت حاج عبدالرحیم شیرازی، و شرکت عمومی ایران بود که در صرافی و بانکداری معتبر بودند و با مشکلاتی که حکومت و اولیای بانک شاهنشاهی و استقراضی برای آنها ایجاد کردند، سال‌ها رقابت خود را با مؤسسات بانکی خارجی ادامه دادند (محمدی، ۱۳۵۰: ۳۱۴).

نتیجه

رقابت تجار و صرافان داخلی با بانک شاهنشاهی طی دوران فعالیت این بانک در دوره قاجار بسیار سنگین و [برای گروه نخست] مرگبار بود. تردیدی نیست که هرگاه تجار و صرافان ایرانی در شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاسی مسمومی نظیر آنچه در دوره قاجار برای آنها تدارک دیده شده بود، قرار نمی‌گرفتند و علاوه بر فشارهای سیاسی و اقتصادی دستگاه دیپلماسی انگلستان و بانک شاهنشاهی در معرض بی‌مهری‌های حکومت قاجار و سپس دولت مشروطه واقع نمی‌شدند، بورژوازی ملی ایران سیری طبیعی را طی می‌کرد و می‌توانست در عرصه اقتصاد جهانی جایگاهی در خور کسب کند.

منابع و مأخذ

فارسی

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۰)، *شورش بر امتیازنامه رژی*، چ اول، تهران: پیام.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷)، *اینجا تهران است...*، چ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۶)، *خاطرات احتشام‌السلطنه ج اول*، به کوشش: محمدمهدی موسوی، تهران: زوار.

رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار ۱۵۷

اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم: گزارش های هیئت هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران (۱۹۰۴-۱۹۰۵م/۱۲۸۳-۱۲۸۴ش) (۱۳۷۶)، ج اول ترجمه: معصومه جمشیدی و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران: ۱۳۰۷-۱۳۳۷ (۱۳۳۸)، ج اول، تهران: بانک ملی ایران.

تیموری، ابراهیم (۱۳۵۷)، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، چاپ سوم، تهران: اقبال. دانشپور، عبدالحسین (بی تا)، بانک شاهنشاهی و امتیاز، ج اول، بی جا: نامه مظفر.

سپهر، عبدالحسین (۱۳۶۸)، مرآت الوقایع مظفری و یادداشت های ملک المورخین، ج ۱، ج اول، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.

سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۲)، وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق، چاپ سوم، تهران: نوین.

فاتح، مصطفی (۱۳۱۰)، پول و بانکداری، ج اول، تهران: مطبعه روشنایی.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۶۶)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا سقوط رضاشاه، ترجمه: محمد رضا نفیسی، ج اول، تهران: پاپیروس.

ماجدی، علی و حسن گلریز (۱۳۷۳)، پول و بانک از نظریه تا سیاست گذاری، چاپ ششم، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مارچنکو، م (۱۳۷۱)، سفری به ایران همزمان با انقلاب روسیه، ترجمه: م.ر. زین الدینی، ج اول، قم: مؤسسه الهادی.

متین دفتری، احمد (۱۳۷۰)، خاطرات یک نخست وزیر، ج اول، به کوشش: باقر عاقلی، تهران: علمی.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، ج اول، تهران: دانشگاه تهران.

۱۵۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

محمدی، ولی‌الله (۱۳۵۰)، بانک و عملیات بانکی، چ اول، تهران: مؤسسه عالی حسابداری.
معاصر، حسن (۱۳۵۲)، تاریخ استقرار مشروطیت: مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت
خارجہ انگلستان، ج ۲، چ اول، تهران: ابن‌سینا.
معتضد، خسرو (۱۳۶۶)، امین الضرب: تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، چ اول،
تهران: جاتزاده.

ناطق، هما (۱۳۷۱)، بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، چ اول، پاریس:
خاوران.

اسناد

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ج.ا.ایران .

انگلیسی

- Jonse , Geoffrey (1989), **banking and Empire in Iran** , Vol.1, First Published , London: Cambridge University.
- Burrell, R. M, Research Editor: Robert. Jarman (1997), **Iran Political Diaries: 1881-1965**), (14 Volume), London: Archive Edition.